

حلقات

درس ۷۳

استاد: حجت الاسلام و المسلمین علم الهدی

آموزشیار: آقای مهاجری

در درس قبل به بررسی «استحاله تکلیف به غیر مقدور یا مشروط بودن تکالیف به قدرت» با توجه به مراحل مختلف تکلیف پرداختیم.

در این درس به بررسی ظواهر ادله تکالیف در عالم اثبات پرداخته می شود و همان طور که در بحث ظهورات گذشته است، مرجع در تشخیص ظهورات ادله، عرف می باشد؛ لذا در اینجا هم برای کشف ظواهر ادله به عرف مراجعه می شود. سپس موارد تحقق قدرت و عجز بیان می گردد و در نهایت به بررسی ثمرات بحث اشتراط علی عدم اشتراط قدرت در تکالیف پرداخته می شود.

و حيث ان مفاد الدليل عرفاً هو جعل الحكم بهذا الداعى فيختص لا محالة بالقادر و تكون القدرة شرطاً فى الحكم المجعول بهذا الداعى، و القدرة انما تتحقق فى مورد يكون الفعل فيه تحت اختيار المكلف فإذا كان خارجاً عن اختياره فلا يمكن التكليف به لا إيجاباً، و لا تحريماً سواء كان ضرورى الوقوع تكويناً، أو ضرورى الترك كذلك أو كان مما قد يقع، و لم يقع. و لكن بدون دخالة لاختيار المكلف فى ذلك كنبع الماء فى جوف الأرض فانه فى كل ذلك لا تكون القدرة محققة.

و ثمرة دخل القدرة فى الإدانة واضحة، و اما ثمرة دخلها فى جعل الحكم الذى هو مفاد الدليل فتظهر بلحاظ وجوب القضاء و ذلك فى حالتين:

بحث ما در مورد استحاله تکلیف به غیر مقدور بود . برای اینکه مشخص شود که آیا تکلیف مشروط به قدرت است و شامل عاجز نمی شود و یا اینکه مشروط به قدرت نیست و شامل عاجز هم می شود، باید تکلیف را از حیث مراتبی که دارد بررسی کنیم و ببینیم که آیا این مراتب مشروط به قدرت است یا نه؟ طبیعتاً اگر یکی از این مراتب مشروط به قدرت باشد، می توان ادعا کرد که تکلیف مشروط به قدرت است.

مراتب تکلیف

۱. ملاک و اراده

در مرتبه ملاک و اراده، تکلیف ضرورتاً مشروط به قدرت نیست و برخی از ملاک ها و اراده ها هستند که شامل عاجز هم می شوند.

۲. جعل

برای اینکه بفهمیم جعل مشروط به قدرت است یا نه باید داعی و انگیزه جعل را بررسی کنیم و ببینیم که جعل به این داعی، مشروط به قدرت می باشد یا نه .

الف. داعی ابراز ملاک و اراده

اگر مراد و داعی شارع از این جعل، صرفاً ابراز ملاک و اراده و یا همان مبادی حکم باشد، این جعل می تواند شامل عاجز هم بشود و مشروط به قدرت نیست.

ب. داعی بعث و تحریک

اگر جعل به داعی بعث و تحریک مکلف باشد، باید آن را حتماً مشروط به قدرت دانست ؛ زیرا تحرک از عاجز ممتنع است؛ پس تحریک و جعل به داعی تحریک هم ممتنع خواهد بود.

مرحله آخر مربوط می شود به مکلف و مسئولیت او در قبال تکلیف و شهید صدر از آن به عنوان «ادانه» یاد کرده است. تکلیف در این مرحله هم به حکم عقل مشروط به قدرت است؛ زیرا عقل حکم می کند که مکلف عاجز ادانه و مسئولیتی در قبال تکلیف ندارد و در صورت ترک تکلیف، مستحق عقاب نیست.

نکته:

اگر تکلیف در مرتبه جعل به داعی بعث و تحریک باشد، مشروط به قدرت است و همچنین تکلیف در مرتبه ادانه هم مشروط به قدرت است.

بررسی داعی جعل به لحاظ عالم اثبات

بیان شد که مرتبه جعل به لحاظ عالم ثبوت دو فرض دارد و حال در صدد این هستیم که ببینیم به لحاظ عالم اثبات و ادله کدامیک از این دو فرض ثابت است.

با مراجعه به عرف و محور قرار دادن فهم عرفی و عقلانی در می یابیم که عرف در مواجهه با ادله جعل به داعی بعث و تحریک را می فهمد؛ به عبارت دیگر متبادر از ادله این است که شارع مقدس در صدد تحریک مکلفین است و هدف او وادار کردن مکلفین به اتیان فعل است و صرف ابراز و اعلام، ملاک نیست.

بنابراین می توان ادعا کرد که ادله ای مثل «صلّ، زکّ و خمس» ظهور در این دارند که مفاد آنها جعل به داعی بعث و تحریک است؛ پس شامل عاجز نمی شوند و مشروط به قدرت هستند.

موارد تحقق قدرت

قدرت در مواردی محقق می شود که آن مورد تحت اختیار مکلف باشد و مکلف نسبت به آن مورد دچار جبر نباشد؛ یعنی اگر خواست اتیان کند و اگر خواست نکند.

موارد تحقق عجز که تکلیف در آنها ممتنع است عبارتند از:

۱. ضروری الوقوع تکوینی

مواردی که متوقف کردن آنها تحت اختیار انسان نیست و لا محاله واقع می شوند.

مثال: نبض انسان که زدن آن از حیث تکوین ضروری الوقوع است.

نکته:

ضروری الوقوع تکوینی در مقابل ضروری الوقوع تشریعی است که همان «واجب» می باشد؛ البته منظور از ضرورت تکوینی، ضرورت عقلی نیست؛ بلکه ضرورت از حیث عادت منظور است.

۲. ضروری التکرار تکوینی

مواردی که انسان نتواند آنها را انجام دهد.

مثال: پرواز کردن انسان بدون ابزار و وسائل که برای انسان ممکن نیست.

۳. عدم هر دو ضرورت وقوع و ترک

مواردی که نه این گونه است که عادتاً باید تحقق یابد و نه این گونه است که عادتاً نباید محقق شود؛ بلکه گاه محقق می شود و گاه نمی شود، متنها تحقق آن تحت اختیار انسان نیست.

مثال اول: عطسه کردن در هنگام وجود برخی محرکات که گاه محقق می شود و گاه نمی شود و تحت اختیار انسان هم نیست.

مثال دوم: جوشش آب از زمین در جایی که معمول نیست و البته محال عادی هم نمی باشد که گاه محقق می شود و گاه محقق نمی شود.

SCO۱:(۱۴:۴۱)

ثمره بحث از اشتراط قدرت

۱. در مرحله ادانه

اگر گفتیم که تکلیف در مرتبه ادانه مشروط به قدرت است ثمره عملی آن این است که عاجز در صورت ترک تکلیف مستحق عقاب نیست و مولا نمی تواند عاجز را به خاطر ترک تکلیف مسئول بداند و او را مورد مؤاخذه قرار دهد. اما اگر گفتیم که تکلیف در مرحله ادانه مشروط به قدرت نیست و شامل عاجز هم می شود ؛ عاجزین هم نسبت به تکالیفی که بواسطه عجزشان ترک کرده اند، مسئول خواهند بود و مستحق عقاب می باشند.

۲. در مرحله جعل

شهید صدر در این مرحله دو ثمره بیان می کنند که هر دو مربوط به بحث قضا است و به صورت خلاصه عبارتند از:

الف- بنا بر قول به عدم اشتراط جعل به قدرت، دلیل دالّ بر وجوب ادا، دلالت بر وجوب قضا بر عاجز دارد.

ب- بنا بر قول به اشتراط جعل به قدرت، دلیل دالّ بر وجوب اداء، دلالت بر وجوب قضاء بر عاجز ندارد.

ثمره نخست اشتراط قدرت در مرحله جعل

در وجوب قضاء مبانی مختلفی است . یکی از این مبانی این است که معیار در وجوب قضاء ، «فوت ملاک» است به این معنا که اگر مکلف به هر نحوی ملاک را از بین برد یا ملاک از بین رفت، بر او واجب است که قضای عمل را به جا آورد.

طبق این مبنا اگر قائل شویم که ادله تکلیف مشروط به قدرت نیست و اطلاق آن شامل عاجز هم می شود، ادله تکالیف هم بالمطابقه تکلیف را برای عاجز ثابت می داند و او را مکلف به وجوب نماز قرار می دهد و هم بالالتزام مبادی تکلیف را (ملاک و اراده) شامل عاجز می کند. بنابراین دلالت التزامی، نماز عاجز هم دارای ملاک می شود و متعلق اراده و شوق مولا قرار می گیرد و در صورت فوت نماز، در حقیقت، ملاک و مصلحت نماز از او فوت شده است. طبیعتاً بنا بر مبنای مذکور در قضاء، فوت ملاک معیار وجوب قضاء می باشد و عاجز باید نمازش را قضاء کند.

۱. تکلیف در مرتبه جعل به داعی بعث و تحریک و در مرتبه ادانه ، مشروط به قدرت است ؛ یعنی شامل عاجزین نمی شود.

۲. ادله از دید عرف وعقلا، ظهور در جعل به داعی بعث و تحریک دارند.

۳. قدرت در مواردی محقق می شود که آن مورد تحت اختیار مکلف باشد و مکلف نسبت به آن مورد دچار جبر نباشد.

۴. موارد تحقق عجز عبارتند از : ضروری الوقوع تکوینی، ضروری الترتیب کونی و مواردی که ضرورت وقوع و ضرورت ترک ندارند ولی تحت اختیار انسان نیستند.

۵. ثمره اشتراط قدرت در مرتبه ادانه این است که عاجز مستحق عقاب نیست و ثمره عدم اشتراط قدرت در این مرتبه این است که عاجز هم مستحق عقاب است.

۶. بنا بر قول به عدم اشتراط جعل به قدرت، دلیل دالّ بر وجوب ادا، دلالت بر وجوب قضا بر عاجز دارد و بنا بر قول به اشتراط جعل به قدرت، دلیل دالّ بر وجوب ادا، دلالت بر وجوب قضا بر عاجز ندارد.